

## انگیزه‌های تغییر در عربستان

پدرام سهراپلو

بین‌المللی، احتمال مذاکره آمریکا با طرف‌های فلسطینی برای پیشبرد پروژه دو دولت و امکان آغاز مذاکرات میان تهران- واشنگتن اشاره کرد. برآیند احتمال وقوع تحولات فوق است که یکی از اضلاع سه گانه تشویق ریاض به اتخاذ سیاست‌هایی است که به باور دولتمردان آن کشور می‌تواند نقشی تعیین‌کننده در آینده روابط میان غرب و عربستان بازی کند.

### ۲- تحولات منطقه‌ای: اگر آن چنان که برخی

از ناظران معتقدند حوادث یازدهم سپتامبر را بتوان به مثابه نقطه عطفی در اولویت‌گذاری سیاست‌های غرب و ایالات متحده محسوب کرد، شاید جنگ سی و سه

ارتباط با سازمان تروریستی القاعده بودند. انتشار نتایج این تحقیقات در رسانه‌های آمریکا موجی از احساسات ضد عربی در آن کشور ایجاد کرد و روابط دوستانه دیپلماتیک میان واشنگتن-ریاض را متشنج نمود تا آن جا که بعضی از سیاستمداران و دولتمردان آمریکایی خواستار اعمال فشار بیشتر بر عربستان برای وادار کردن مقامات آن کشور به اتخاذ تدابیری جهت مبارزه با گروه‌های تروریستی شدند. تحقیقات انجام گرفته توسط نهادهای امنیتی آمریکا در بعضی از موارد از احتمال حمایت‌های مالی بعضی از افراد خاندان سلطنتی عربستان از گروه‌های تندرو و تروریست خبر می‌دادند و در عین حال بر این نکته تاکید می‌کردند که وهابیت، به عنوان منبع ایدئولوژیک افراطی‌گری و ضدیت با غرب، نقش محوری در تغذیه تئوریک و عقیدتی گروه‌های تروریستی ایفا می‌کند. با این وجود برخی از ملاحظات استراتژیک و ژئوپولیتیک در روابط میان واشنگتن-ریاض و نیازهای متقابل- از جمله نیاز فزاینده ایالات متحده به جریان نفت عربستان و جایگاه آن کشور در تولید نفت خام- مانع از تیره‌تر شدن روابط میان دو کشور شد و فشارهای سیاسی در حاشیه روابط متقابل قرار گرفت هر چند فشارهایی به دولت عربستان برای بازنگری در متون درسی دانش‌آموزان و حذف مواردی که به تقویت احساسات غرب‌ستیزانه در میان جوانان آن کشور یاری می‌رساند صورت گرفت. با آغاز ریاست جمهوری باراک اوباما ظاهراً معادلات تا حدودی دگرگون شده است و به نظر می‌رسد دریافت مقام‌های عربستان از این تغییرات مشوق اتخاذ سیاست‌های اصلاح‌گرایانه بوده است. از جمله عینی‌ترین تغییرات در رویکرد دولت ایالات متحده می‌توان به مواردی چون تعهد به افزایش نیروها در افغانستان و تمرکز جنگ با تروریسم در آن کشور و رشد احساس خطر دولتمردان آمریکایی از طالبان و القاعده، امکان خروج نیروهای آمریکا از عراق و واگذاری امور به دولت منتخب آن کشور، تجدید تلاش‌های دولت آمریکا به تعقیب پروژه تحقیقاتی مربوط به انرژی‌های جایگزین که با هدف کمتر کردن میزان وابستگی آمریکا به نفت خام وارداتی انجام می‌گیرد، رد افراط‌گرایی و تلاش برای جبران تعدادی از موارد نقض حقوق بشر در دولت پیشین آمریکا از جمله وعده تعطیلی زندان گوانتانامو، ترسیم نسبی موقعیت ایالات متحده در افکار عمومی

پادشاه عربستان سعودی چندی پیش دست به تغییراتی در ترکیب برخی از مسوولان بلند پایه آن کشور زد. این تغییرات تعدادی از وزرا و معاونان آنها، تعدادی از مقامات نظامی و انتظامی و تعدادی از مقامات بلندپایه مذهبی و قضایی آن کشور را دربر گرفته است. همچنین برای اولین بار در تاریخ سیاسی عربستان، یک زن در کسوت معاون وزیر آموزش و پرورش به سطوح بالای مدیریت سیاسی راه یافته است. اعمال تغییرات گسترده توسط پادشاه عربستان که اولین نمونه از نوع خود از زمان پادشاهی او در سال ۲۰۰۵ میلادی محسوب می‌شود بازتاب خبری گسترده‌ای در رسانه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی داشت. همچنین تحلیل‌های مختلفی پیرامون دلایل و انگیزه‌های پادشاه عربستان در اعمال چنین تغییراتی انتشار یافت تا آن جا که یکی از روزنامه‌های عربی از واژه "کودتا" برای توصیف تحولات صورت گرفته استفاده کرد. اگر چه تغییرات اخیر عملاً شامل وزارتخانه‌های حساسی چون وزارت کشور، خارجه و دفاع که به طور سنتی توسط اعضای ارشد خاندان سلطنتی اداره می‌شوند نشده است اما گمان می‌رود که تغییرات صورت گرفته در همین حد نیز نشان‌دهنده‌ی عزم رهبران ریاض در اتخاذ روندی جدید در عرصه سیاسی و اجتماعی است که تداوم آن مالا به تغییر بنیادین برخی نهادهای مستقر و مستحکم فرهنگی، سیاسی و اجتماعی آن کشور خواهد انجامید هر چند که امکان دارد با آشکار شدن برخی نتایج عملی تغییرات مورد اشاره انگیزه‌های اولیه رهبران عربستان در تداوم اصلاحات کم‌رنگ شود. در بیان چرایی انجام اصلاحات در ساختار مدیریت کلان عربستان به عوامل چندی در سطوح مختلف داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی می‌توان اشاره کرد که احتمالاً تلفیقی از آنها راس هرم سیاسی عربستان را به انجام اصلاحات، ترغیب و متمایل کرده است. در ادامه ابتدا به این عوامل و عواقب و نتایج اعمال سیاست‌های جدید در عربستان سعودی اشاره خواهد شد.

### ۱- فشارهای بین‌المللی: پس از وقوع حملات

تروریستی یازدهم سپتامبر در ایالات متحده، تحقیقات نهادهای اطلاعاتی و امنیتی واشنگتن آشکار کرد که اکثریت عوامل تروریستی که اقدام به طراحی عملیات و در انجام آن کرده بودند، شهروندان عربستان سعودی و در



روزه حزب‌الله لبنان با رژیم اسرائیل نیز همین تاثیر را در منطقه خاورمیانه به جا گذاشته باشد. در میانه نزاع خونینی که پس از حمله رژیم اسرائیل به لبنان در تابستان سال ۲۰۰۶ درگرفت صف‌بندی‌های بازیگران عمده منطقه‌ای وارد فاز جدیدی شد و دو محور عمده رقیب شکل گرفت. در محور اول ائتلاف ایران، سوریه، حزب‌الله و حماس که معتقد به لزوم مقاومت در برابر اشغالگری اسرائیل و عدم پیگیری خط سازش با آن رژیم بودند با پیوندی محکم‌تر از قبل وارد معادلات منطقه‌ای شد و در محور دوم ائتلاف عربستان، مصر، اردن و سازمان آزادی‌بخش فلسطین با تاکید بر طرح صلح عربی شکل گرفت. در حالی که هر یک از دو طرف فوق به نحوی به انتقاد از رفتار طرف مقابل می‌پرداختند اما نتیجه جنگ و ناتوانی تل‌آویو در تحقق اهداف از پیش تعیین شده خود به تقویت ائتلاف اول انجامید و افکار عمومی مردم منطقه را نیز تا حدودی با خود همراه ساخت. حتی زمزمه‌هایی مبنی بر همراهی و همدلی بخشی از دولت‌های عرب در تجاوز اسرائیل به لبنان به هدف تضعیف گروه حزب‌الله نیز شنیده شد. این تصورات در کنار تبلیغاتی که از سوی برخی از کشورها و مجامع مذهبی عربی صورت گرفت تا جنگ لبنان را به جنگ میان یک گروه شیعه وابسته به سوریه و ایران با اسرائیل تقلیل دهند تقویت شد. حمله اسرائیل به غزه و موضع‌گیری دولت‌های عربی در عدم حمایت از گروه فلسطینی حماس و حتی تحت فشار قرار دادن آن گروه در پذیرش آتش‌بس بر خشم افکار عمومی در کشورهای آنها افزود و شکافی در سیاست‌های رسمی



دکتر هوشنگ طالع

## چرا ایرانی‌ها نباید از قرارداد طارق عزیز - رجوی آگاه باشند؟

یکی از زشت‌ترین کارهای اتحادیه‌ی اروپا، کنارگذاشتن نام سازمان مجاهدین خلق از سیاه‌لیستی سازمان‌های «تروریست» است. شگفت‌آور این که همین اتحادیه چند سال پیش، این سازمان را در سیاه‌لیستی سازمان‌های تروریست قرار داده بود. راستی را، در این چند سال چه رخ داده است که وضع یک سازمان تروریستی، از نظر کسانی که آن‌را متهم و محکوم به تروریست بودن کردند، دگرگون شده و همان متهم کنندگان، یک‌باره اتهامات خود را پس گرفتند و رای خود را شکستند؟! البته این‌گونه اقدام‌ها از سوی اتحادیه‌ی اروپا، نمایان‌گر معیارهای دوگانه‌ی آنان برابر پدیده‌هاست و نشان می‌دهد که تصمیم‌های سیاست خارجی این اتحادیه، از هیچ قانون و مقرراتی پیروی نمی‌کند. از نظر آن‌ها، «هدف، وسیله را توجیه می‌کند». حال به هر اندازه این «وسیله»، نا مشروع، غیرانسانی و یا حتا ضد انسانی باشد.

اما از نظر مردم ایران، سازمان مجاهدین خلق، خائن‌ترین سازمان سیاسی است که در درازای تاریخ ایران، دیده شده است. این سازمان، حتا روی حزب توده‌ی ایران را در خیانت به میهن و خدمت به بیگانه، سفید کرده است. آن‌ها، دوش به دوش ارتش متجاوز عراق، ایران را مورد یورش نظامی قرار دادند، هم‌میهنان ما را که به اسارت ارتش عراق درآمده بودند، به‌جای عراقی‌ها، مورد بازجویی قرار دادند، در سرکوب کردها و شیعیان، نقش محوری داشتند و ...

اوج خیانت این گروه به میهن، قرارداد طارق عزیز - مسعود رجوی بود که در اوج نبردهای عراق علیه ایران (۹ ژوئیه ۱۹۸۳/۱۹۸۳ دی ۱۳۶۱)، در شهر پاریس به امضا رسید.

سازمان مجاهدین خلق ایران، این خیانت آشکار را که در درازای تاریخ ایران و شاید گیتی به چشم نخورده است، به‌عنوان «یک پیروزی مهم سیاسی» نام برد. در بیانیه‌ی سازمان مجاهدین خلق ایران، از سوی کسانی که به «ایرانی دموکراتیک، آباد و مستقل چشم دوخته‌اند، به شورای ملی مقاومت، به همه‌ی خواهران و برادران مجاهد و به‌ویژه شخص برادر مسعود رجوی فرمانده عالی مجاهدین خلق، تبریک و تهنیت» گفته شد (مجاهد - نشریه‌ی ارگان سازمان مجاهدین خلق - چاپ پاریس - شماره ۱۲۶)

تابستان ۱۳۸۰، کتابی به نام «تجاوز عراق، خیانت خودی، حمایت بی‌گانه» با مجوز وزارت فرهنگ و ارشاد، درباره تجاوز نظامی عراق به ایران، منتشر کردم. سال ۱۳۸۶ باتوجه به انبوه آگاهی‌هایی که در شش سال پس از انتشار کتاب مزبور منتشر گردیده بودند، آن‌را ویرایش کردم و برای صدور اجازه‌ی چاپ به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی گسیل داشتم. پس از گذشت چند ماه، با کمال ناباوری، از من خواسته شده بود که برای دریافت اجازه‌ی چاپ، افزون بر چند مورد، قرارداد طارق عزیز - مسعود رجوی را از کتاب، حذف نمایم.

گمان کردم که اشتباهی رخ داده است، زیرا باور کردن این مسأله، برایم سخت بود. از این‌رو، در نامه‌ای به آقای وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، این مورد را با ایشان در میان گذاشتم. اما پاسخ ایشان، سخت مرا تکان داد. ایشان در پاسخ خود، به‌طور ضمنی، این تصمیم را «حکیمانه» دانستند و ...

البته ایشان به دو نامه‌ی بعدی من، پاسخ ندادند و در نتیجه، سرنوشت ویرایش دوم کتاب تجاوز عراق، خیانت خودی، حمایت بی‌گانه که دارای اسناد و مدارک بسیاری درباره‌ی تجاوز عراق، حمایت غرب و به‌ویژه آمریکا از این کشور، تلاش در راه دست‌یابی به جنگ‌افزار هسته‌ای از سوی صدام حسین، ساخت و کاربرد جنگ‌افزار شیمیایی و ... می‌باشد، هنوز پس از گذشت بیش از یک سال، روشن نیست و به جز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، هیچ نهاد و مقام دیگری هم به نامه‌نگاری‌ها و مراجعه‌های من، پاسخ ندادند.

## دولت عربستان عملاً مطالبات و ارزش‌های جدید را نادیده گرفته و از فراگیر شدن مفاهیم و مطالبات ناشی از تاثیر تحولات جهانی بر جامعه عربستان جلوگیری می‌کند و بر حراست از ارزش‌های سنتی اصرار می‌ورزد

که وجود دارد تمایلی به حمایت از سیاست‌های حاکم از خود بروز نمی‌دهند و حتی دولت ایالات متحده را در نقض حقوق بشر در عربستان سعودی مقصر قلمداد می‌کنند. حال و با در نظر گرفتن فشارهای بین‌المللی و تحولات منطقه‌ای در کنار تحولات داخلی عربستان می‌توان به درک اولیه‌ای از دلایل اعمال سیاست‌های اصلاحی در آن کشور دست یافت. به تعبیری ورود دولت عربستان به فاز اصلاحات معطوف به جابه‌جایی طبقاتی در پایگاه اجتماعی حاکمان ریاض است. این هدف از طریق اعمال مجموعه سیاست‌هایی هماهنگ در حوزه‌های مختلف اجتماعی - فرهنگی و سیاسی - اقتصادی به دست می‌آید. پادشاه عربستان در عین نگاه به اهداف دراز مدت، اصلاحات محتاطانه‌ای را در کشور خود آغاز کرده است که از جمله تغییر در سیستم آموزشی و مواد درسی آن کشور، اصلاحات اقتصادی در بخش پولی و مالی و جلب همکاری متخصصان و تکنوکرات‌های میانه‌رو، تجدیدنظر در سیاست‌های حمایتی و رفاهی، آغاز تغییرات تدریجی و کند در بخش نهادهای مذهبی در راستای اعمال برخی تعدیلات در آن نهادها و آموزه‌ها و کم کردن از تنگنای فرهنگی حاکم بر آن کشور بوده است. تمامی اقدامات فوق در نهایت باید به بازنگری در ایدئولوژی وهابیت و گشایش فضای سیاسی در عربستان منتهی شود تا بتوان گفت که اصلاحات مورد نظر تحقق یافته است. بدون تردید اهداف اصلاحات به کاهش نفوذ و نقش خاندان سلطنتی خواهد انجامید امری که حتماً مقاومت‌های بسیاری را از جانب افراد متنفذ برخواهد انگیزد. باید دید آیا اصلاحات آغاز شده نهایتاً به سر منزل مقصود خواهد رسید و یا با مشاهده مقاومت‌ها و موانع از اهداف اولیه منحرف شده و یا متوقف خواهد شد.

و توقعات عمومی در خصوص مواجهه با رژیم اسرائیل پدید آورد. این شکاف‌ها به ویژه در عربستان و با توجه به ساختار سیاسی سنتی و قبیله‌ای آن کشور تاثیر فراوانی داشته است و تردیدهایی در مشروعیت سیاسی حاکمان آن کشور در لایه‌های سنتی جامعه که پایگاه اجتماعی و حاملان اصلی ایدئولوژی وهابیت هستند ایجاد کرده است. احتمالاً برخورد اخیر دولت عربستان با شیعیان آن کشور نیز اقدامی در راستای بهبود رابطه میان دولت و ملت و طریق تهییج تعصبات مذهبی بوده است. در عین حال بعید است که از شتاب شکاف رو به تعمیق در عربستان با پیگیری اقداماتی چنین کاسته شود و آگاهی به همین موضوع است که هیات حاکمه عربستان را به در پیش گرفتن سیاست‌های اصلاح‌طلبانه و معطوف به لایه‌های مدرن آن کشور واداشته است.

**۳- تحولات داخلی:** چنانچه در بالا هم اشاره شد دولت عربستان با تکیه بر ایدئولوژی وهابیت و توجیه مذهبی لایه‌های سنتی حاکمیت خود را مشروعیت می‌بخشد. به‌رغم تحولات گسترده‌ای که در چند دهه اخیر جامعه جهانی را دستخوش تغییر کرده است و به موازات آن بر اجتماع به شدت سنتی عربستان نیز تاثیر گذاشته است دولت عربستان عملاً مطالبات و ارزش‌های جدید را نادیده گرفته و از فراگیر شدن مفاهیم و مطالبات ناشی از تاثیر تحولات جهانی بر جامعه عربستان جلوگیری می‌کند و بر حراست از ارزش‌های سنتی اصرار می‌ورزد. ایدئولوژی وهابیت به همین منظور توسعه یافته و تبلیغ می‌شود. از عمده‌ترین ویژگی‌ها و مولفه‌های وهابیت ضدیت با ناسیونالیسم و سکولاریسم، ضدیت با تعصبات قومی و قبیله‌ای، تاکید بر پان اسلامیسیم با مرکزیت آل سعود به عنوان خادمان حرمین شریفین، بازگشت به ارزش‌های اولیه اسلامی با قرائت روحانیون وهابی، ضدیت با نهادها و ارزش‌های تمدنی غرب و دشمنی عمیق با سایر فرق و مذاهب اسلامی است. علی‌رغم مولفه‌های فوق عملکرد دولت عربستان به نحوی بوده است که رابطه‌ای انتخابی با ایدئولوژی فوق برقرار کرده و از برخی عناصر به نفع برخی عناصر دیگر صرف‌نظر کرده است. به عنوان مثال و برخلاف وجود عناصر ضدغربی در ایدئولوژی وهابیت، نزدیکی دولت عربستان به غرب بخصوص آمریکا و همسویی با سیاست‌های واشنگتن در منطقه به گونه‌ای بوده است که نارضايتی‌های عمیقی را در بین وهابیون متعصب دامن زده و حتی توجیحات عده‌ای از مقامات مذهبی نیز نتوانسته است از دامنه آن بکاهد. در عین حال اقشار و لایه‌های مدرن و میانه‌رو جامعه عربستان نیز به دلیل تنگناهای سیاسی و اجتماعی بسیاری